

بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری در بخش معدن ایران و ارایه راهکار به منظور تشویق سرمایه‌گذاری در این بخش

مجتبی هراتی نیک (خلاصه رساله)



مقدمه

با توجه به تحصیلات کارشناسی پژوهشگر در رشته زمین‌شناسی و کارشناسی ارشد در رشته اکتشاف معدن و نزدیک به ده سال تجربه و مدیریت در فعالیت‌های معدنی در وزارت معادن و فلزات وقت و ۱۵ سال تجربه کارشناسی و مدیریتی در بانک‌های صنعت و معدن و توسعه صادرات، ضمن بررسی و مقایسه ارقام کلان سرمایه‌گذاری در ایران در بخش‌های صنعت و معدن، مسکن، کشاورزی و خدمات، توجه به این نکته مهم جلب شد که کمترین مقدار سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بخش معدن صورت گرفته است. بنابراین، بررسی‌هایی به‌طور مقدماتی برای شناختن علت‌های کمبود سرمایه‌گذاری در بخش معدن شروع گردید. در اولین مرحله بررسی، نمایان شد که عدم‌علاقه به سرمایه‌گذاری در بخش معدن ایران، تابع عواملی غیر از عوامل طبیعی و زمین‌شناسی است، زیرا پتانسیل معدنی کشور و وضعیت معادن فعال کنونی، گویای این موضوع است که ایران از نظر معدنی جزو کشورهای مطلوب قرار دارد و کمبود سرمایه‌گذاری در این بخش، بیشتر مربوط به علل مدیریتی و حقوقی است.

پدیده‌ای است که توجه به این نکته که کدامیک از عوامل مدیریتی، حقوقی، طبیعی و زمین‌شناسی در موضوع موردبحث، سهم و نقش بزرگتری را بازی می‌کنند، برای سرمایه‌گذار تأثیر بسزایی دارد.

ریشه‌های اصلی موضوع موردبررسی عبارتند از امکانات بالقوه طبیعی و معدنی قابل قبول ایران با تمرکز بر فلزات طلا، مس، سرب و روی، آلومینیوم و آهن به عنوان نمونه. همچنین جستجوی پاسخ به سوالاتی همچون: آیا آیین‌نامه‌ها و مقررات و قوانین مربوط به نحوه اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری و صنایع مربوط به این فلزات و قوانین مؤثر در بخش معدن، مناسب بهره‌برداری از ذخایر معدنی کشور هستند؟ آیا ذخایر معدنی ایران جاذبه لازم برای جذب سرمایه بیشتر از امروز را دارد یا ندارد؟ اگر چنین نیست، پس عوامل و دلایل آن چیست و هرکدام چه سهمی در پایین‌بودن جذب سرمایه دارند؟

اهمیت و ضرورت موضوع

توجه به پتانسیل معدنی ایران و ذخایر قطعی معدنی شناسایی شده - چه از نظر تنوع مواد و چه از نظر مقدار - که در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان دارای مزیت نسبی است و از سوی دیگر، کاربرد مواد معدنی تقریباً در همه بخش‌های اقتصادی، از جمله در صنعت، مسکن، کشاورزی، خدمات و حتی در پزشکی، پژوهشگر را برآن داشت تا با انجام پژوهش حاضر، توجه جامعه و خصوصاً مسوولان را به این جایگاه مناسب کشورمان جلب نماید. به عبارت دیگر، پژوهشگر احساس کرد که می‌بایستی علت پایین‌بودن جایگاه معدن و مواد معدنی در بخش‌های اقتصادی کشور و نیز نیاز واحدهای اقتصادی به مواد معدنی که سالانه مقادیر قابل توجهی از آنها وارد کشور می‌شود، مشخص شود و آشکار گردد که واقعاً علل پایین‌بودن مقدار سرمایه‌گذاری در بخش معدن چیست؟ به علاوه، چنانچه کشور ما از نظر تولیدات مواد معدنی در سطح قابل قبول باشد و توانایی رفع نیازهای داخلی و حتی صادراتی خود را داشته باشد، هم از جهت اشتغال و عوامل

علل پایین بودن
مقدار سرمایه‌گذاری
در بخش معدن
چیست؟

اقتصادی همچون تولید ناخالص داخلی و ملی و افزایش سطح درآمد و رفاه مردم در شرایط مناسبی قرار می‌گیرد و هم از نظر سیاسی، در معادلات و روابط دولت‌ها نقش والاتر و موثرتری را ایفا خواهد کرد و اگر چنین شود، دیگر برای واردات مواد معدنی ضروری خود دست نیاز به سوی بیگانگان دراز نخواهد نمود.

قابل توجه است که برخی از دولت‌ها به علت نیاز کشورهای دیگر به مواد معدنی آنان، سیاست‌های استعماری خود را دیکته می‌کنند، مانند کشورهای دارای معادن اورانیم و فلزات نادر، و برعکس، برخی از دولت‌ها نیز به دلیل اهمیت منابع معدنی خود مانند مس در کشور شیلی، تحت سلطه ابرقدرت‌ها قرار می‌گیرند. شیلی، بولیوی و بسیاری از دیگر کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا مثال‌هایی از این موارد هستند.

بنابراین، چنانچه جاذبه‌های سرمایه‌گذاری در بخش معدن ایران افزایش یابد، با توجه به پتانسیل معدنی قوی کشور به‌عنوان مزیت نسبی، می‌توان به بسیاری از موضوعات و اهداف فوق‌الذکر دست پیدا کرد.

ایران، منابع معدنی متنوع و باارزشی دارد و در حال حاضر، تعدادی از آنها در حال بهره‌برداری هستند، لکن گاهی استنباط‌های ناصحیح از قوانین، خصوصاً از قانون اساسی و گاهی تنگناها و نارسایی‌های موجود در برخی از قوانین و مقررات ذریبط، مانند قانون معادن، قانون کار، قانون تجارت، قانون مالیات‌ها و بیمه، سیستم بانکی و غیره، کمبود جذابیت برای سرمایه‌گذاری در بخش معدن را باعث شده است. همچنین برخی از تنگناهای سیاسی داخلی و خارجی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ایران بر کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری در این بخش افزوده است.

انجام مطالعات و عملیات شناسایی (Surveying) و تعیین ذخایر قطعی در بسیاری از مواد معدنی، خصوصاً درباره ۵۰ واحد و ماده معدنی فلزی شامل معادن مس، طلا، سرب و روی، آهن و آلومینیوم ایران که به جهت مختلف در حال کار، در مرحله راه‌اندازی، متروکه و یا در شرایط متفاوت قرار دارند، نشان می‌دهد که این کشور یکی از کشورهای مهم معدنی در دنیا محسوب می‌شود. همچنین از نظر مسایل حقوقی نیز عملیات و مطالعات شناسایی مشابهی (Survey) در مقررات و قوانین که مستقیماً و یا غیرمستقیم به سرمایه‌گذاری بر روی مواد معدنی فلزی مربوط می‌شود، انجام شده است که نشان می‌دهد یکی از مهمترین تنگناهای موجود بر سر راه سرمایه‌گذاری در بخش معدن، همانا وجود قوانین و مقررات دست‌وپاگیر و از آن مهمتر، تعبیر و تفسیرهای ناصحیح برخی از مسوولان از آنهاست.

مروری بر برخی از ویژگی‌های اصلی

ویژگی‌های اصلی اقتصادی در ایران در عوامل زیر خلاصه می‌شوند:

(۱) وجود سازماندهی دیوانسالارانه فعالیت‌ها.



یکی از مهمترین
تنگناهای موجود بر
سر راه
سرمایه‌گذاری در
بخش معدن، همانا
وجود قوانین و
مقررات دست‌وپاگیر
و از آن مهمتر، تعبیر
و تفسیرهای
ناصحیح برخی از
مسوولان از این
قوانین است.

- (۲) تأکید بر تفکر و ساختار تمرکزگرای دولتی.
 - (۳) تبعیت اقتصاد از وضعیت دنباله‌رو و بسته.
 - (۴) تمرکز بیشتر نیروها در بخش سنتی اقتصاد.
 - (۵) گذر ناقص از مرحله کشاورزی به مرحله صنعتی.
 - (۶) غالب بودن اقتصاد دولتی.
 - (۷) غالب بودن بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی.
 - (۸) کمبود یا فقدان مراکز غیردولتی نمایندگی کارگری یا کارفرمایی.
 - (۹) دراختیارداشتن سهم قابل توجه از منابع در بخش اقتصاد زیرزمینی و بالابودن گردش سرمایه آن.
 - (۱۰) تأکید بر منابع ذاتی و نه منابع اکتسابی.
 - (۱۱) اقتصاد تک‌محصولی.
 - (۱۲) کوچک بودن مقیاس اقتصاد کشور.
- بخش معدن به‌عنوان یک زیربخش از اقتصاد کشور، علاوه بر ویژگی‌های فوق، دارای برخی از ویژگی‌های دیگر نیز به این شرح می‌باشد:
- (۱) عدم توجه مناسب به نقش معدن در استقلال کشور و تأثیر قابل توجه آن بر اشتغال زایی و پراکنده‌نمودن متوازن اشتغال و فرهنگ صنعتی به سراسر کشور، به‌جای تمرکز در شهرها و اطراف آنها.
 - (۲) عدم ایجاد زنجیره ارزش افزوده از بنیادی‌ترین حلقه، یعنی بهره‌گیری از ذخایر طبیعی تا تولید محصول نهایی مانند کارخانه فولاد مبارکه.
 - (۳) عدم آشنایی کافی و غفلت زمامداران ایران از اندیشه و فلسفه توسعه سیاسی / اقتصادی و عوامل بنیادی و عدم توانایی آنان در استفاده بهینه از امکانات طبیعی موجود و وجود مزیت‌های نسبی و نیز نیروی خلاقه انسان (مدیریتی / سیاسی) از یکسو، و چگونگی توزیع قدرت و ثروت در نظام بین‌المللی از سوی دیگر، که ناکارایی فرایند توزیع در تامین منابع ملی و وابستگی به اقتصاد

۲) مقدار سرمایه‌گذاری ثابت و سرمایه در گردش ارزی و ریالی بخش معدن، غالباً بیشتر از بخش‌های اقتصادی دیگر است.

۳) دوران بازگشت سرمایه در این بخش طولانی‌تر از دیگر بخش‌های اقتصادی است. همچنین نقطه سر به سر کارخانجات این بخش، درصد بالاتری را نسبت به دیگر بخش‌های اقتصادی به خود اختصاص داده است.

۴) قیمت تمام‌شده محصول تولیدی، خصوصاً هزینه نیروی انسانی و قیمت انرژی به کارگرفته شده در این بخش، بیشتر از دیگر بخش‌های اقتصادی است.

۵) قوانین و مقررات حاکم بر این بخش، محدودیت بیشتری را نسبت به دیگر بخش‌های اقتصادی برای سرمایه‌گذار ایجاد کرده‌اند، همچون اصل‌های ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی، انفال تلقی شدن معادن و اخذ حقوق دولتی، قوانین محیط زیست و میراث فرهنگی، قانون معادن و آیین‌نامه‌های معدنی.

۶) قوانین و مقررات نظام بیمه‌ای در این بخش هزینه بیشتری را بر سرمایه‌گذار تحمیل کرده و لذا نیازمند به اعمال نرخ کمتر می‌باشد.

۷) قوانین و مقررات نظام بانکی و خصوصاً سود وام‌ها با توجه به محدودیت‌های مندرج در بند یک تا چهار فوق، هزینه‌های سنگین تری را به سرمایه‌گذار تحمیل می‌کند و لذا به وام‌های بلندمدت و با نرخ‌های کمتر نیازمند است.

۸) قوانین و مقررات مالیاتی در این بخش شبیه دیگر بخش‌های اقتصادی است. بنابراین، مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه‌یافته، یا بایستی این مقررات حذف شوند و یا با درصد کمتری اعمال گردند.

۹) بازار فروش داخلی به دلیل واسطه‌ای بودن و محدود بودن مصرف‌کنندگان و گاهی انحصاری بودن مصرف‌کنندگان کالا، از محدودیت بیشتری نسبت به دیگر بخش‌های اقتصادی برخوردار است.

۱۰) صادرات محصولات معدنی به دلایل سنگینی وزن و بالطبع هزینه حمل بیشتر و نیز عدم عضویت کشور در WTO، از محدودیت بیشتری برخوردار است.

۱۱) وجود رقبای جدی در این بخش به دلیل وجود سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران بسیار محدود - ولی بسیار قوی - عرصه رقابت این بخش با بخش‌های اقتصادی دیگر را تنگ‌تر کرده است.

۱۲) نیاز به نیروی انسانی متخصص و ماهر بیش از تعداد موجود و همچنین نیاز به تکنولوژی و ماشین‌آلات پیشرفته سنگین و گران در این بخش، محدودیت بیشتری را سبب شده است.

۱۳) روش‌های سرمایه‌گذاری در دیگر بخش‌ها کمتر در این بخش مورد استفاده قرار می‌گیرد و لذا نیاز به استفاده از روش‌هایی مانند BOT-BOO و BOOT احساس می‌شود.

۱۴) اختصاص درصد مشارکت پایین برای سرمایه‌گذار خارجی در سرمایه‌گذاری در این بخش، محدودیت بسیار بیشتری

تک‌محصول نفت را موجب شده است.

۴) از میان مجموعه عوامل تولید، فراوانی مواد اولیه و خام و نیروی کار و وفور انرژی محرز است، اما در خصوص سرمایه و سرمایه‌گذاری در بخش معادن ویژگی‌هایی از قبیل حجم بالا و طولانی بودن دوره سرمایه‌گذاری و زمان بازگشت سرمایه در بخش معدن، منحصربه‌فرد بودن تکنولوژی‌های فرآوری مواد معدنی، امکان بسیار کم مشابه‌سازی و کپی‌برداری تکنولوژی یک معدن در معدنی دیگر، عدم امکان کاربرد روش تحلیل هزینه - فایده (Cost-benefit Analysis) در فعالیت‌های معدنی قبل از تکمیل مطالعات و فعالیت‌های اکتشافی و ریسک بالای عملیات اکتشافی، از جمله عوامل کاهش و یا عدم رغبت سرمایه‌گذاری در بخش معدن بر شمرده می‌شوند.

۵) ذخایر شناخته‌شده غیرنفتی، زمینه بسیار مثبتی را جهت استخراج و بهره‌برداری از این معادن برای تامین مصارف داخلی و صادرات و کاهش وابستگی به نفت فراهم می‌سازند. علاوه بر این، در بستن عوامل ناکارآوری بخش معدن، موقعیت نامطلوب سازماندهی و مدیریت، سطح نازل مهارت‌ها و کمبود وسیع اطلاعات و دانش فنی روز و نهایتاً کیفیت و فرسودگی ماشین‌آلات و تجهیزات بخش معدن مشخص می‌شود.

۶) با توجه به ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل ایران، صادرات در بخش معدن، یکی از زمینه‌های مهم صادرات غیرنفتی کشور است که می‌توان با تاکید بر اصل مزیت نسبی، در مورد آن اقدام کرد. به علاوه، فعالیت‌های معدنی کشور - چه در گذشته و چه در حال حاضر - ارتباط تولیدی مستحکمی با ساختار اقتصادی کشور نداشته و این مزیت بالقوه و طبیعی اقتصاد، به فعل درنیا آمده و مورد بهره‌برداری اصولی قرار نگرفته است.

۷) توجه بیش از اندازه به نفت و گاز به عنوان دو مورد از اقلام معدنی، باعث شده است که بیش از ۶۰ درصد از اقلام معدنی دیگر در سایه قرار گیرند و این موضوع یکی از علل عمده تک‌محصولی شدن اقتصاد ایران می‌باشد.

مؤلفه‌های اصلی سرمایه‌گذاری در بخش معدن

براساس بررسی‌های انجام‌شده، چهارده عنوان از مهمترین مؤلفه‌های اصلی سرمایه‌گذاری در بخش معدن (به شرح زیر) این موضوع کلیدی را آرایه می‌دهند که سرمایه‌گذاری در این بخش، نیازمند توجه جدی سیاست‌گذاران می‌باشد:

۱) به دلیل وجود معادن در نقاط دورافتاده، عامل انتخاب محل سرمایه‌گذاری در دست انسان نبوده، بلکه در دست طبیعت است. بنابراین، انتقال و یا ایجاد امکانات زیربنایی مانند جذب متخصص، تامین بهداشت، راه، آب، برق، گاز - به عکس صنایع دیگر - یکی از چالش‌های عمده بر سر راه سرمایه‌گذاری در این بخش است.



فعالیت‌های معدنی کشور - چه در حال گذشته و چه در حال حاضر - ارتباط تولیدی مستحکمی با ساختار اقتصادی نداشته و این مزیت بالقوه و طبیعی اقتصاد، به فعل درنیامده و مورد بهره‌برداری اصولی قرار نگرفته است.

○ اختیار مدیریت.
○ کنترل روی سهم مالکیت خویش.
○ وجود قوانین مالیاتی ثابت و روشن.
شایان ذکر است که کشورهای آمریکای لاتین، خصوصاً شیلی، برزیل، پرو، آرژانتین و مکزیک طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ میلادی بیشترین امکانات حقوقی و قانونی و نظارتی را درخصوص موضوع‌های فوق برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم کرده‌اند، به گونه‌ای که ۶۶۲ میلیون دلار یا حدود ۲۹ درصد بودجه جهانی اکتشاف معدن را به خود اختصاص داده‌اند. یادآور می‌شود که این کشورها قبل از دهه ۱۹۸۰ به خاطر چند عامل اصلی بازدارنده سرمایه‌گذاری خارجی، در ردیف کشورهای پرخطر محسوب می‌شدند، اما پس از اتخاذ سیاست‌های مزبور:
- در شیلی، تولید مس از ۰/۷ میلیون تن در سال ۱۹۷۳، به ۴/۳ میلیون تن در سال ۱۹۹۹ افزایش یافت و در نتیجه، صادرات غیرنفتی آن کشور از ۲/۲۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵، به هشت میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹ افزایش یافت.
- در پرو، تولید طلا از سه تن در سال ۱۹۹۰، به ۱۲۸ تن در سال ۱۹۹۹ افزایش یافت.
- در مکزیک، مجموع سرمایه‌گذاری سالانه در پروژه‌های معدنی، از ۳۷۵ میلیون دلار در سال ۱۹۹۰، به یک میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹ افزایش یافت.
به علاوه، توسعه بخش معدن در کشورهای یادشده، مزایای جنبی مهمی، از جمله احیای اقتصاد محلی، ایجاد زیربنای اقتصادی جدید یا بهبود آن، افزایش درآمد مالیاتی و ایجاد مشاغل جدید را به ارمغان آورد.
بنابراین، محقق چنین نتیجه می‌گیرد که اگر ایران بخواهد در جذب سرمایه‌هایی در این سطوح و مقادیر موفق شود، بایستی در سیاست‌های معدنی خود تجدیدنظر کند تا مثل سیاست‌های معدنی کشورهای مذکور به مطلوبیت‌های بیشتری دست یابد.

نتیجه‌گیری، پیشنهادهای و آرایه راهکارها

۱) به علت وجود تنگناهای فرهنگی - اجتماعی که رفع آنها به سال‌ها زمان نیاز دارد و مشکلات سیاسی - اقتصادی که می‌شود انتظار داشت طی چندین سال آینده رفع شوند، بهتر است که استراتژی بخش معدن براساس اولویت جذب سرمایه، به ترتیب از سرمایه‌های کوچک و متوسط، به سوی سرمایه‌های بزرگ و به ترتیب از منابع داخلی، به سوی منابع ایرانیان خارج از کشور و سپس منابع خارجی تنظیم شود.
۲) با بررسی اجمالی سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور (بخش اتکا به صادرات نفت) مشخص می‌گردد که در این سند نیز مانند بسیاری از اسناد مشابه آن، سهم و رتبه بخش معدن، آنچنان که باید، مورد توجه قرار نگرفته است. جالب است که در بخش انرژی، زغال‌سنگ به عنوان زیرشاخه‌ای از بخش معدن در نظر گرفته می‌شود، در حالی که نفت و گاز، چنین نیستند، با وجود این که زغال‌سنگ همانند نفت و گاز،

را نسبت به دیگر بخش‌های اقتصادی فراهم کرده است. بنابراین، با عنایت به عوامل بسیار مهم و حیاتی فوق‌الذکر و نیز بالا بودن ارزش افزوده مواد معدنی و سهم آن در تولید ناخالص داخلی و نیاز تمامی صنایع به مواد معدنی، چنانچه محدودیت‌های فوق برداشته شوند و امتیاز ویژه‌ای برای تشویق سرمایه‌گذاران منظور شود، شاهد رشد بسیار چشمگیر اقتصادی کشور همانند دیگر کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای توسعه یافته خواهیم بود.

یافته‌های یک تحقیق

شرکت تیلروال و شرکا در مطالعات خود طی سال ۲۰۰۱ تحت عنوان "بررسی‌های نظام حقوقی بخش معدنی ایران" که با حمایت مالی هفت شرکت معدنی مهم جهان و با توجه به علاقمندی آنها برای سرمایه‌گذاری در بخش معدن ایران تهیه شده، ضمن ارائه پیشنهادهایی، اظهار می‌دارد:
۱) از مجموع ۲/۶ میلیارد دلار هزینه برای اکتشاف معادن در جهان در سال ۲۰۰۰، تنها ۰/۴ درصد، یعنی ۱۰ میلیون دلار در ایران هزینه شده است، البته این مقدار متناسب با پتانسیل اکتشافی ایران نیست.
۲) خصوصیات معدنکاری و تأثیر آنها بر سرمایه‌گذاری در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است.
۳) ایران از نظر پتانسیل طبیعی برخی از مواد معدنی مانند مس، روی و طلا، در زمره غنی‌ترین کشورهای جهان می‌باشد.
۴) قوانین معدنی در ایران به بسیاری از نیازهای بنیادی و ضروری معیارهای سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران خارجی در یک کشور دیگر، از جمله شفافیت، تضمین امنیت، حقوق سرمایه‌گذار در معدن، ثبات و هماهنگی سیاست‌های مدنی برای مدت قابل‌پیش‌بینی و معین، و تعهدات مالیاتی به‌طور شفاف و روشن نمی‌پردازد. اگرچه ایران در سال ۱۹۹۸ به منظور تقویت سرمایه‌گذاری خارجی، در قوانین و مقررات معدنی خود تجدیدنظر کرد، اما اصلاحات در مجموع چندان مورد استقبال تصمیم‌گیران و سرمایه‌گذاران ارشد جامعه بین‌المللی معدنکاری قرار نگرفت.

۵) شرکت‌های معدنی خارجی برای سرمایه‌گذاری در کشورهایمانند ایران که تصور می‌شود قوانین معدنی و سرمایه‌گذاری آنها در زیر سطح رضایت‌بخش قرار دارد، رغبت چندانی ندارند. اگر ایران بخواهد در جذب سرمایه‌های سطوح متوسط و بالا موفق شود، باید در سیاست‌های معدنی خود تجدیدنظر کند و با اجرای ابتکارهایی - مانند کشورهای آمریکای لاتین - بازاریابی جهانی برای سرمایه‌گذاری بر روی پتانسیل معدنی خود را افزایش دهد.
۶) از بررسی وضعیت ۳۲ شرکت چندملیتی برای سرمایه‌گذاری در بخش معدن نتیجه‌گیری شده است که پنج معیار مهم (غیرقابل مذاکره و مصالحه) برای آنها به این شرح بوده است:

○ تضمین دوره تصدی سرمایه‌گذار بر معدن.

○ حق خارج کردن منافع از کشور.

**اگر ایران بخواهد در
جذب سرمایه‌های
سطوح متوسط و
بالا موفق شود، باید
در سیاست‌های
معدنی خود
تجدیدنظر کند.**

سطح تا دانشگاه‌ها - می‌بایستی با ایجاد شناخت و حساسیت از بی‌تفاوتی نسبت به بخش معدن که اساسی‌ترین تأمین‌کننده مواد خام و انرژی در چرخه اقتصادی کشور است، بیرون آیند. مسوولان باید پیشرو باشند و دست‌اندرکاران بخش معدن هم باید به جامعه آگاهی بدهند.

در این رابطه لازم به ذکر است که یکی از وظایف مدیران جامعه، اینست که فراگیرتر، دوراندیشانه‌تر و آینده‌نگرتر از توده مردم بیندیشند و برنامه‌ریزی و عمل کنند. آگاهان جامعه در هریک از شاخه‌های حکمت، علم، اخلاق و اقتصاد، یعنی خبرگان جامعه در هر شاخه نیز وظیفه دارند که مدیران جامعه را در هریک از شاخه‌های مذکور، آگاه نمایند و در تصمیم‌سازی "یار" آنها باشند و در تصمیم‌گیری نیز مشاور صدیق و بصیر آنها باشند. این نحوه برخورد مدیران و خبرگان و آگاهان در مقوله موردبحث ما، مصداق جدی و روشنی پیدا می‌کند. وظیفه دست‌اندرکاران بخش معدن، روشنگری و کمک در تصمیم‌سازی است؛ وظیفه مسوولان نیز عنایت و توجهی درخورش‌ان و جایگاه معدن و مواد معدنی، در زیرسازی بنیاد اقتصادی جامعه ایران است.

همچنین پیشنهاد می‌شود که به هر وسیله، از جمله توضیح دقیق اهمیت بخش معدن و مواد معدنی به مسوولان، تبلیغ به آحاد جامعه به وسیله رسانه‌های مختلف - چه به صورت معرفی فنی و علمی بخش معدن و مواد معدنی و صنایع معدنی و چه به صورت هنری و فیلم‌های مستند و ذوقی و چه به وسیله ترغیب نمایندگان مجلس و اعضای هیأت دولت و صاحبان صنایع و صاحبان سرمایه نسبت به بازدید از مناطق معدنی - به این مهم پرداخته شود. متأسفانه مردم و مسوولان، به اندازه کافی از معدن و مواد معدنی و نقش آنها در سرنوشت کشورمان اطلاع ندارند.

۵) مرتفع‌نمودن تنگناهای فرهنگی، از جمله زدودن زشتی از چهره ثروت، به دلیل ماهیت فرهنگی - اجتماعی آن، کار کوتاه‌مدتی نیست و نیازمند شناخت عمیق مسأله،

حامل و حاصل انرژی فسیلی است. هیدروکربورها و زغال‌سنگ هر دو ماده معدنی می‌باشند، لیکن صرفاً به دلایلی غیرقابل‌توجیه علمی و زمین‌شناسی، نفت و گاز از خانواده مواد معدنی حامل انرژی جدا شده‌اند. این امر موجب کاهش برد عملیاتی بخش معدن شده و از توجه مسوولان اقتصادی بلندیپایه کشور به بخش معدن کاسته است. بدون شک، اگر به بخش معدن توجه کافی بشود و اعمال اراده اجرایی در مسوولان اقتصادی بلندیپایه کشور به‌وجود آید که از ذخایر معدنی کشور بهره‌گیری شایسته شود، ده‌ها نوع ماده معدنی، در حدی از پتانسیل اقتصادی قرار دارند که رویهمرفته، می‌توانند به اندازه درآمدهای نفت و گاز کشور درآمدزا باشند. بدیهی است که این موضوع، یک ادعای صرف نیست، بلکه باید با دقت کافی به آن اندیشید. علاوه بر این، با توجه به طولانی‌تربودن زنجیره ارزش افزوده مواد معدنی نسبت به نفت و گاز (که بیش از نیمی از آن به صورت خام صادر می‌شود) مواد معدنی، ضمن ایجاد ثروتی لااقل به اندازه نفت و گاز، در تولید شغل و خروج از اقتصاد تک‌محصولی نیز بیش از نفت و گاز، در اقتصاد کشور موثر خواهند بود.

۳) سیاست توسعه بخش معدن باید به‌نحوی باشد که:
○ بخش خصوصی را نسبت به بخش دولتی ارجحیت بدهد.

○ توسعه معدنکاری کوچک را به معدنکاری بزرگ ارجحیت بدهد.

○ تنوع معدنکاری را (تنوع مواد معدنی) به عنوان نکته‌ای مثبت موردحمایت قرار دهد.

○ در استراتژی کلی برای اعمال تغییرات، به‌عنوان آیین‌نامه‌های اجرایی باید پیش‌بینی‌های لازم بشود تا با تغییرات شرایط اقتصادی - سیاسی احتمالی که در دوره اجرای طرح پیش می‌آید، عندالزوم بتوان در استراتژی تغییرات جزئی را اعمال نمود.

○ هیچ شخص و یا سازمانی حق ندارد توسعه پایدار را به سلیقه خودش تفسیر کند. باید کمیته‌ای برای تفسیر این مفهوم به‌وجود آید تا تفسیربه‌رأی مفهوم توسعه پایدار، توسط سازمان محیط زیست و سازمان منابع طبیعی و سازمان میراث فرهنگی صورت نگیرد. اعضای چنین کمیته‌ای می‌بایستی از نمایندگان سازمان‌های مزبور به‌اضافه نمایندگانی از وزارت صنایع و معادن باشد. لازم به ذکر است که توسعه پایدار دارای یک مفهوم استاندارد است، نه کنسروکردن جنگل‌ها، مراتع، میراث فرهنگی و محیط زیست! ۴) اساسی‌ترین تنگنای فرهنگی بخش معدن، عدم‌شناخت مناسب مردم و تا حدود زیادی، مسوولان و تصمیم‌گیران اقتصادی تراز اول کشور از بخش معدن است. برای رفع این نقیصه، می‌بایستی روش‌های فرهنگی، هنری، علمی و تبلیغی را در سطوح مختلف جامعه و مسوولان جاری نمود. مردم و مسوولان اقتصادی تراز اول کشور در مجلس، هیأت‌دولت، نهادهای روحانی‌های در مسند مدیریت جامعه و رسانه‌های ملی و در سطوح مختلف آموزشی - از پایین‌ترین





**پتانسیل معدنی
کشور و وضعیت
معادن فعال کنونی،
گویای این واقعیت
است که ایران از نظر
معدنی جزو
کشورهای مطلوب
قرار دارد و کمبود
سرمایه‌گذاری در
این بخش، بیشتر
مربوط به علل
مدیریتی و حقوقی
است.**

تعریف و تفکیک حدفصل بخش معدن و بخش صنایع معدنی در احقاق حقوق "بخش معدن" تلاش نمود.

برای حقوق دولتی نیز پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
O یکی از اساسی‌ترین نکته‌ها در تنظیم حقوق دولتی، ارائه جدول حقوق دولتی ثابت و لایتغیر و با ضریب افزایش دوره‌ای کاملاً مشخص و اعلام‌شده و متناسب با نرخ تورم سالانه برای مدت دو تا سه دهه است تا جاذبه سرمایه‌گذاری را بالا ببرد.

O با توجه به این که اجرای مراحل وصول حقوق دولتی از تولیدات معدنی، نیازمند ارزیابی و برآورد مقدار استخراج، فرآوری و استحصال می‌باشد و هرچه مقررات، متنوع‌تر و جزئی‌تر باشند، در اجرای آن نیز احتمال اشتباهات سهوی و عمدی بیشتری وجود دارد، لذا شایسته است که مقررات مربوط به حقوق دولتی، هرچه ساده‌تر و عام‌تر و روشن‌تر باشند. یادآوری می‌کند که کشورهای مختلف، حقوق دولتی را بر مبنای تولیدات معدنی در مقاطع متفاوتی از خط تولید قرار می‌دهند:

الف) درصدی از محصول خام که مستقیماً از معدن استخراج شده و سر معدن (بین صفر تا پنج درصد قیمت ماده معدنی) انباشته می‌شود.

ب) درصدی از محصول کنسانتره (فرآوری شده اولیه) معدن قبل از استحصال محصول نهایی و یا قبل از حمل از کارخانه کنسانتراسیون مواد معدنی.

پ) درصدی از فلز استحصال‌شده در مورد فلزات قیمتی، فلزات آهنی و فلزات پایه.

ت) تفاوت قایل‌شدن در میزان حقوق دولتی در بخش‌های مختلف کشور به منظور حمایت از بخش‌ها و استان‌های توسعه‌نیافته.

ث) حذف یا کاهش حقوق دولتی برای بعضی از مواد معدنی مانند خاک‌های نادر، زیرکن که هنوز صنعت معدنی‌اش در کشور توسعه نیافته است.

۸) شناساندن بیشتر بخش معدن، به‌عنوان یک زمینه شغلی و شناساندن تفاوت ذخایر معدنی با دلفینه به جامعه.

۹) دو تنگنای اساسی دیگر در قسمت مربوط به قوانین و مقررات وجود دارد: یکی، ماهیت و روح و قالب قوانین؛ و دیگری، نحوه اجرای آن قوانین. نظر به این که تدارک امکانات اجرایی قوانین موجود، به‌خصوص قانون معادن، از تدارک لازم برای تغییر قوانین (از جمله قانون معادن) و یا تفسیر آنها برای کاربردی‌کردنشان در بخش معدن آسانتر است، لذا پیشنهاد می‌شود که ابتدا توجه اصلی به بالابردن قدرت اجرایی قانون معادن معطوف بشود و در مرحله دوم از اولویت، تدارک زمینه لازم برای تفسیر و احتمالاً تغییر بعضی از مواد قانونی در قانون معادن و دیگر قوانین مربوط به بخش معدن مورد توجه قرار گیرد.

۱۰) به‌علاوه، لازم است که نرخ بیمه، نرخ سود تسهیلات بانکی و درصد مالیات نسبت به بخش‌های دیگر اقتصادی به صورت جاذبه‌دار کاهش یابد و همچنین درصد مالکیت سرمایه‌گذار خارجی برای بخش معدن، مساوی و یا بیش از ۵۱ درصد منظور گردد.

عزم راسخ مدیران جامعه، وجود برنامه منسجم و پیگیر و زمان طولانی لاقبل یک نسل است. آنچه ما در این زمینه، یعنی سعی در تغییر فرهنگی و ذائقه‌ای مردم جامعه می‌توانیم انجام دهیم، هرچند که مختصر باشد، باز هم بهتر از هیچ است. بنابراین، رفع این تنگنا باید در دستور کار مدیران جامعه ما - از بالاترین سطوح تا پایین‌ترین اجزای جامعه - قرار گیرد. چاره کار هم این است که ابتدا مسوولان و مدیران رده بالای کشور، خود با اعتقاد کامل به نقش ثروت به‌عنوان یک عامل بنیادی در توسعه اقتصادی، اعمال اراده نمایند و تجلی زیبایی‌های چهره ثروت و ثروتمند را نیز در سطح جامعه تشویق کنند.

وسایل ارتباط جمعی، از جمله صدا و سیما نیز باید در برنامه‌های اقتصادی، هنری و فرهنگی خود و تهیه‌کنندگان نوشتار و فیلم‌های سینمایی از سوژه‌پردازی و زشت‌سازی چهره ثروت و ثروتمند بکاهند. به‌علاوه، شایسته است که گهگاه نقش‌های زیبا و سازنده استفاده نیکو از "ثروت" توسط ثروتمندان به‌عنوان سوژه فیلم، سریال و کارهای هنری دیگر انتخاب بشود. اقتصاد ما به این اهرم نیاز دارد. اقتصاد ما در عین حال، نیاز دارد که راه‌های قانونی برای انباشت ثروت مجاز را هموار کند، البته باید با برقراری و اجرای مقررات مالیاتی دقیق، روشن و منصفانه و تشویق صاحبان ثروت به نیکوکاری، عدالت اجتماعی واقعی را نیز تضمین نمود، بدون آن که انگیزه فعالیت از ثروتمند گرفته شود. آنچه درباره این تنگنا، مستقیماً به بخش معدن مربوط می‌شود، همانا بیان سختی‌ها و مرارت‌هایی است که یک معدنکار، تحمل می‌کند تا ذخیره‌ای طبیعی را به ماده اولیه‌ای که می‌تواند وارد چرخه تولید اقتصادی کشور بشود، تبدیل کند. سوژه‌هایی از این نوع، می‌توانند معدن و معدنکار و ثروت حاصل از معدنکاری را در وجدان جامعه آبرومند سازند، لیکن برای عبور کوتاه‌مدت از این تنگنای فرهنگی، لازم است که از بخش معدن نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی، از جمله بخش صنعت، حمایت بیشتری شود. در مورد راه‌های اجرایی چنین حمایت‌ها نیز می‌توان به اعطای یارانه، معافیت مالیاتی و ملاحظات دیگری اشاره نمود.

۶) باید روشن شود که وقتی بهره‌بردار، مولفه "a" انفال را تحت‌عنوان حقوق دولتی می‌پردازد، دیگر هیچ مقام مسوول و یا غیرمسوول و یا عامه مردم نباید تصور کنند که بهره‌بردار چیزی را از بیت‌المال برداشت می‌کند، بلکه بایستی پذیرفته شود که سهم او از ارزش ماده معدنی، صددرصد مال خودش است.

۷) این نحوه استدلال، پایه استواری است برای آن که بتوان حقوق دولتی را با مجوز مجلس و دولت، صرف توسعه اکتشاف نمود و یا این که برای توسعه اکتشاف و معدنکاری بعضی از مواد معدنی و یا برای بعضی از مناطق محروم کشور "یارانه" برقرار نمود. همانگونه که در خشک‌سالی‌ها و یا به بهانه‌هایی دیگر برای بخش کشاورزی یارانه داده می‌شود و یا آن که برای آب، برق، راه‌آهن، اتوبان و غیره، بودجه‌هایی بسیار حجیم‌تر از آنچه برای توسعه بخش معدن (نه صنایع معدنی!) اختصاص داده می‌شود، می‌توان با

توجه:
فهرست منابع فارسی و غیر فارسی مورد استفاده در این تحقیق در دفتر مجله موجود است و علاقمندان می‌توانند از آن استفاده کنند.